

کارگران جهان متحد شوید!

هفت مقاله درباره

مسئله ارضی و

جنبش دهقانی

لنین

۳

سری ترجمه آثار لنین

"سهند" هوادار "اتحاد مبارزه در راه آرمان طبقه کارگر" از این پس فعالیت خود را تحت نام "اتحاد مبارزان کمونیست" ادامه خواهد داد. توضیح مفصل دلائل این تغییر نام بدون شک از حوصله جنبش کمونیستی ما خارج است، در میان این دلائل می‌توان به ——— اختصار به چند عامل اشاره کرد:

(۱- تاکید بر استقلال ایدئولوژیک - سیاسی - تشکیلاتی موجود میان "سهند" و "آرمان" (با توجه به این واقعیت که در جنبش کمونیستی ما "هواداری" از یک سازمان درجه‌ای از وابستگی رالقا می‌کند). از آنجا که "سهند" در یکسال فعالیت خود کاملاً مستقل از "آرمان" عمل می‌کرده است، این تغییر نام فی‌نفسه ابداع بی‌انگیز تغییر در شیوه برخورد و مناسبات متقابل دو گروه نیست.

(۲- استفاده از نامی که با تغییرات کمی و کیفی ما ضرورت تغییر مجدد پیدا نکند.

(۳- جایگزین کردن اسم خاص "سهند" با نامی که مشخصاً تلاش ما را در شرکت در تحقق آرمانهای پر افتخار کمونیسم منعکس کند.

(۴- جلوگیری و رفع اشکالاتی که تشابه اسمی ما با رفقای که تحت نام "سهند" هوادار چریک‌های فدایی خلق فعالیت می‌کنند، ممکن است به انحاء مختلف برای آن رفقا، ما و دیگران ایجاد کند. ... با توجه به عواملی که شمردیم بدیهی است که ما تحت نام جدید نیز دقیقاً بر مبنای همان مواضع ایدئولوژیک مشی سیاسی و وظایف و برنامه کاری که در چهارچوب "سهند" تعریف کرده و تبلیغ نموده‌ایم به فعالیت خود ادامه خواهیم داد.

از "سهند" هوادار "اتحاد مبارزه در راه آرمان طبقه کارگر" صرف‌نظر از چند اعلامیه تهییجی و افشاگرانه تاکنون مطالب‌زیر منتشر شده است که در صورت تکثیر مجدد با نام "اتحاد مبارزان کمونیست" انتشار خواهد یافت:

۱- انقلاب ایران و نقش پرولتاریا (خطوط عمده) اسفند ۵۷

۲- درباره تحصن کارگران در وزارت کار فروردین ۵۸

- ۳- اسطوره بورژوازی ملی و مترقی  
 ( پیشگفتار و مقدمه )  
 ۵۸ خداداد
- ۴- سری ترجمه آثار لنین ۱  
 درباره مقاله ای از ارگان بوند  
 ۵۸ تیر
- ۵- سری ترجمه آثار لنین ۲  
 شیوه برخورد به احزاب بورژوازی  
 ۵۸ تیر
- ۶- شرایط کنونی و وظایف دانشجویان کمونیست  
 ۵۸ آبان

## پیشگفتار

جنبش انقلابی زحمتکشان و بویژه روستائیان کردستان و نقش آن در تداوم اوج گیرنده انقلاب ایران ، و نیز مکان تعیین کننده‌های که مساله ارضی در حرکت در آوردن این جنبش انقلابی احراز می‌کند ، برخورد صحیح به مساله ارضی و جنبش انقلابی دهقانان را در دستور کار کمونیست‌ها قرار داده است . شعار و برنامه ارضی کمونیست‌های ایران چه باید باشد؟ شک نیست که جنبش کمونیستی ما تا ارائه پاسخ نهایی و اصولی به این سوال راه درازی در پیش دارد . شناخت محتوای مشخص مساله ارضی در ایران بدون شک یکی از ارکان اصلی موضعگیری پرولتری در قبال جنبش دهقانی است . اما تحلیل مشخص از مساله ارضی برای مارکسیست‌ها معنای عمیق تراز بررسی آماری مناسبات روستایی ، رابطه مالک و زارع و شرکت تعاونی ، سطح زیرکشت و نحوه تقسیم آن ، تکنولوژی تولید و یا ضوابط و مواردین تقسیم محصول در میان اقشار مختلف روستائیان دارد . تحلیل کنکرت مساله ارضی ، از نقطه نظر مارکسیسم ، یعنی تعیین مکان مشخص مساله ارضی در تحول تاریخی مناسبات اقتصادی جامعه ، در روند مبارزه طبقاتی ، در حرکت نیروهای سیاسی طبقات اجتماعی و بویژه دهقانان ، و از همه مهمتر در حرکت طبقه کارگر به رهبری کمونیست‌ها بسوی کسب قدرت سیاسی و استقرار دیکتاتوری پرولتاریا . شک نیست که در این میان آمار و ارقام و گزارش‌های مستند در تدقیق مشی پرولتاریا در قبال مساله ارضی و جنبش دهقانی از اهمیت بسیاری برخوردار است . اما آنچه می‌باید قبل از هر چیز آموخته و درک شود ، شیوه برخورد پرولتری به مساله ارضی و جنبش انقلابی دهقانان بطور کلی ، و نیز در شرایط ویژه جامعه ما ، است .

چهارچوب کلی شیوه برخورد پرولتری به مساله ارضی و جنبش دهقانی به روشنی در مقالاتی که در این کتاب آمده طرح شده است .

لیکن شاید ذکر این نکته ضروری باشد که هدف ما از ترجمه مقاله های حاضر نمونه سازی تاریخی نیست و برای این مساله تاکید می‌ورزیم که الگوسازی از آنچه لنین دربرخورد به مساله ارضی در روسیه اوائل قرن بیستم می‌نویسد و تکرار طوطی‌وار آن در شرایط مشخص جامعه ما، خود بیش از هرچیز دال بر نفی تام و تمام شیوه برخورد لنینی به تجارب تاریخی پرولتاریا و دستاوردهای تئوریک آنست. اما آنچه مورد نظر ما هست تاکید بر جوهر پرولتری شیوه برخورد لنین و بلشویکها به مساله ارضی است.

لنین حتی در ۱۹۰۵ که هنوز مساله ارضی مانع اصلی واساسی بر سر راه توسعه سریع و همه جانبه سرمایه داری در روسیه را تشکیل می‌داد، در شرایطی که پیدایش و رشد شرایط عینی و ذهنی پرولتاریا برای حرکت بسوی سوسیالیسم در گروحل این مساله بود، در شرایطی که پرولتاریای روستا نضج چندانی نیافته بود، و بالاخره در شرایطی که بخش‌هایی از بورژوازی هنوز قادر بودند در هر قدم آلترناتیوهای کم و بیش مترقی خود را مطرح کنند، به جنبش دهقانی به شیوه‌ای مکانیکی و از زاویه "ضرورت رشد نیروهای مولده"، "تقسیم عادلانه و بالتساوی زمین بین دهقانان"، و یا "تامین خود کفائی کشور در زمینه تولیدات کشاورزی"، "مکانیزه کردن کشاورزی" و مقولات ماوراء طبقاتی‌ای از این قبیل، برخورد نمی‌کند. طرح اینگونه ضرورتها، خواستها و شعارها که البته "مترقی‌اند... اما مترقی در جهت منافع آنها که مایملکی دارند... از طرف یک سوسیالیست، حاصلی جز پروبال دادن به غرایز مالکیت در بر ندارد... ابراز تمایل به درگیر شدن در آنها نه کارما، بلکه کار کارفرمایان و خبرگان امر سرمایه گذاریست" (مقاله پنجم این کتاب). آنچه دربرخورد لنین و بلشویکها به جنبش دهقانی نقشی تعیین کننده دارد، نه حل مساله ارضی بمنظور رشد و توسعه کشاورزی و یا حتی بخاطر تحقق بخشیدن به آرمانهای اقتصادی دهقانان بلکه نقش و اهمیت سیاسی این جنبش بمثابه مبارزه‌ای دموکراتیک و انقلابی در جهت بسط و تحکیم دموکراسی است.

در مقاله آخر این کتاب که به سال ۱۹۰۸ یعنی اواسط دوران ارتجاع استولیپینی و در زمانی که "اصلاحات" بورژوازی استولیپین بقول منشویکها "از موفقیت نسبی" برخوردار است نوشته شده، لنین به تصویر و توضیح شرایط کاملاً متفاوتی می‌پردازد. شرایطی که تحقق آن در آینده، و در صورتی که "اوضاع بی‌نهایت بروفق مراد (استولینین) پیش می‌رفت"، "کاملاً ممکن" بود. شرایطی که در آن مساله ارضی بشیوه بورژوازی، از بالا و بمعنای "تثبیت نهائی (یعنی تا انقلاب پرولتری) مالکیت ارضی در تمام ارضی، هم ارضی ملاکین و هم ارضی دهقانان"، کاملاً "حل" شده است. لنین سپس چنین ادامه می‌دهد که: "آنوقت (دیگر) نظام ارضی در روسیه کاملاً بورژوازی خواهد شد... کشاورزی سرمایه‌داری خواهد شد و دیگر هیچ گونه 'حلی' برای مساله ارضی تحت نظام سرمایه‌داری (تاکید لنین) ... ممکن نخواهد بود، آنوقت دیگر مارکسیست‌هایی که با خود صادقند همه 'برنامه‌های ارضی' را یکجا به زباله‌دان ریخته و به توده‌ها خواهند گفت: ... کارگران اکنون شمارا به انقلاب اجتماعی پرولتاریا فرا می‌خوانند، چرا که پس از 'حل' استولیپینی مساله ارضی هیچ انقلاب دیگری که قادر باشد دگرگونی جدی را در شرایط اقتصادی زندگی توده‌های دهقانی سبب شود، نمی‌تواند وجود داشته باشد".

تذکر دوباره این نکته ضروری است که تاکید ما، در این پیشگفتار و در عرضه داشتن ترجمه مقاله مورد بحث، بر شرایط غائی و مفروضی که لنین تصویر نموده است از آن جهت نیست که ما این شرایط را در تطابق نعل به نعل با شرایط امروز ایران می‌بینیم و معتقدیم که مارکسیست‌های صادق باید "برنامه‌های ارضی را یکجا به زباله‌دان بریزند" و یا به توده‌ها بگویند "کارگران اکنون شمارا به پیوستن به انقلاب اجتماعی پرولتاریا فرا می‌خوانند". خیر، امید، هدف و تاکید ما بر اینست که کمونیست‌های صادق بنا بر مطالعه این اثر، اولاً بشیوه برخوردارشان به "اصلاحات ارضی" در ایران، اهدافی که امپریالیسم از انجام آن دنبال می‌کرد و نتایجی

که این "اصلاحات" ببار آورد، و ثانیاً در برنامه‌های ارضی خود، اگر چنین برنامه‌هایی دارند، تجدید نظر جدی بعمل آورند — بنا براین، لازم می‌دانیم نخست به خطوط زیربنایی و قابل اقتباس و تعمیم برخوردار دیالکتیکی لنین به "رفرمهای از بالا" بطور کلی، اشاره کرده و سپس — و باز هم به اختصار — این اصول عام را برای درک شرایط امروز ایران بکار بندیم.

اولاً، لنین به "اصلاحاتی" که بشیوه فئودالی یا بورژوایی انجام می‌گیرد برخوردار اخلاقی، و بعبارت دیگر برخوردار لیبرالی و ماوراء طبقاتی نمی‌کند. می‌گوید: "... وعده اصلاحات بخوددادن، نالیدن از اینکه چرا در عمل اصلاحات بدست فئودالها و بشیوه‌ای فئودالی انجام می‌شود... منتهای... حماقت است" ( کلیات آثار جلد ۱۷، صفحه ۱۲۵ )، و خود برعکس بخوبی براین حقیقت واقف است که گام‌هایی که " در راه تبدیل یک استبداد فئودالی صرف به یک پادشاهی بورژوایی " برداشته می‌شود (همان کتاب، صفحه ۱۲۶)، نمی‌تواند به بهبود وضع دهقانان منجر گردد، نمی‌تواند حاصلی جز خانه خرابی دهقانان "آزاد" شده و سنگین تر شدن یوغ سرمایه بر کرده کارگران شهری، در برداشته باشد. لنین درباره اولین این گامها، که در سال ۱۸۶۱ برداشته شد و "رفرم کبیر" نام گرفت، می‌گوید: هرچه اجرای آن کاملتر و شرایط رهایی دهقانان از اسارت فئودالی بیشتر فراهم بود، "جوهر بورژوایی رفرم نمایان تر" می‌شد و بموازات آن و "بهمان میزان" دهقان برده قدرت پول می‌شد و خود را... در شرایط تولید کالایی و وابستگی به سرمایه‌داری روبه اعتلا" گرفتار می‌یافت ( همان کتاب، صفحات ۱۲۲-۱۲۱ ) .

حاصل کلی این اولین فاز پروسه سلب مالکیت، حاصل کلی آزاد شدن نیروی کار برای آنکه توسط سرمایه استثمار شود، حاصل کلی سراسر "دوران اصلاحات"، نامی که تمامی دهه ۶۰ را مشخص می‌کرد جز این نبود که "دهقانان فقیر زده، مفلوک، نادان، و در همه جا، در دادگاهها، در ارگان‌های حکومت، در مدارس و در زمستوها — مقهور مالکین فئودال باقی ماندند" ( همان کتاب، صفحه ۱۲۱ ) .

اما، دقیقاً پس از همین "رفرم دهقانی"، یعنی دقیقاً در سالهای "پس از ۱۸۶۱ بود که سرمایه‌داری با چنان آهنگ سریعی رشد یافت که در عرض چند دهه تحولی بوجود آورد که انجام آن دربرخسی از کشورهای کهن اروپا قرن‌ها بدرازا کشیده بود" (همان کتاب، صفحه ۱۲۲)؛ و بدنبال همین سلب مالکیت و پیامدهای دردناک آن بود که لنین (در سال ۱۸۹۶) نوشت: "در زمان حاضر، کار برای اجیر شدن، کار برای سرمایه‌دار، شایع‌ترین شکل کار گشته است. سلطه سرمایه بر کار، تمام جمعیت را نه تنها در صنعت بلکه در کشاورزی نیز دربر می‌گیرد" \* اما لنین سلطه عفریت سرمایه را بشیوه مارکس و انگلس یک "منفعت تاریخی" می‌داند که "رشد اجتماعی را شتابی عظیم خواهد بخشید و اشکال نوین و عالی‌تر جنبش کمونیستی را بمراتب پیش خواهد انداخت" (مارکس، مقاله اول این کتاب). پس از ۱۸۶۱ "تعداد کارگران در شهرهای بزرگ، در کارخانجات، مدام افزایش می‌یافت" (لنین، همان کتاب، صفحه ۸۹). طبقه کارگر روسیه، که در پی آوارگی اش از روستا تولد یافته بود، "در نتیجه سالها مبارزه اعتصابی خود و سالها ترویج، تهییج و سازماندهی حزب سوسیال دموکرات... بلوغ (یافت)، نیرو (گرفت)" و با فرارسیدن سال ۱۹۰۵ "توانست" تمام ملت را، میلیونها دهقان را بدنبال خود به انقلاب بکشانند، میلیونها دهقانی که "در ۱۸۶۱ تنها قابلیت 'شورش' داشتند" (لنین، همانجا).

ثانیا، واز سوی دیگر، باید توجه داشت که لنین در عین اعتقاد به قابل حل بودن مسأله ارضی از بالا و از نظر اقتصادی، بعبارت دیگر در عین اعتقاد به امکان سرمایه‌داری شدن شیوه تولید در کشاورزی از طریق اینگونه رفرمها، بهیچوجه آنرا با حل مسأله دموکراسی، و بعبارت دیگر با "سوسیالیستی شدن انقلاب"

\* - لنین، "اتحادیه‌های کارگری"، صفحه ۲۴. لنین در مقاله اول این کتاب نمونه‌ای کامل و عالی از تحلیل ماتریالیستی رشد سرمایه‌داری در روسیه ۱۸۹۶ بدست داده است.



معادل قرار نمی‌دهد. ضابطه تفکیک انقلاب دموکراتیک از انقلاب سوسیالیستی، حتی در انقلاب روسیه و برای لنین و بلشویکها، نه "حل مساله ارضی" بلکه "حل مساله دموکراسی"، یعنی فراهم آمدن شرایط بسیج پرولتاریا برای دست زدن به انقلاب سوسیالیستی می‌باشد. جدا کردن انقلاب دموکراتیک و انقلاب سوسیالیستی "بوسیله چیز دیگری بجز (تاکید از لنین) درجه آمادگی پرولتاریا و اتحاد وی با تهیدستان روستا (تاکید از ماست)، بزرگترین تحریف مارکسیسم، مبتذل نمودن آن و لیبرالیسم را جایگزین آن ساختن است" (لنین، مجموعه آثار به زبان فارسی، صفحه ۶۵۶). چرا که، آنچه به انقلاب دموکراتیک روسیه - و به این معنا به انقلاب دموکراتیک ایران - خصلتی بورژوازی می‌دهد، وجود دهقانانی است که پرولتاریای روسیه ناچار است در ابتدا "باتفاق جملگی" آنان حرکت کند\*.

اما ضرورت و ناگزیری حرکت به اتفاق جملگی دهقانان (یعنی پرولتاریا و بورژوازی روستا هر دو) خود قبل از هر چیز دال بر اهمیت وجه سیاسی - طبقاتی مساله ارضی برای کمونیستهاست، و نه جنبه اقتصادی آن - چرا که، همانطور که قبلا نشان داده شد، پرولتاریا، تحت هیچ شرایطی، بر منافع و اهداف اقتصادی جملگی دهقانان صحه نمی‌گذارد. اگر حل مساله ارضی صرفا از دیدگاهی اقتصادی مورد نظر بود، یعنی اگر بحث صرفا بر سر رشد نیروهای مولده و ییاحتی توسعه سرمایه‌داری در جامعه روسیه بود آنگاه راه حل دهقانی (از پایین و انقلابی) و راه حل استولیپینی (از بالا و رفرمیستی) نمی‌توانست از دیدگاه کمونیستها تفاوتی داشته باشد. ضرورت حرکت به اتفاق جملگی دهقانان قبل از هر چیز از ضرورت رفع موانع سیاسی معینی مایه می‌گیرد که خود را به صورت عسدم آمادگی پرولتاریا برای حرکت بسوی سوسیالیسم آشکار می‌کنند.

\* - "انقلاب ما تا زمانی که به اتفاق جملگی دهقانان گام برمی‌داریم بورژوازیست" - لنین، مجموعه آثار به زبان فارسی، صفحات ۶۵۵-۶۵۶. تاکید از لنین.

تحولات اقتصادی دقیقا تا آنجا که شرط ضروری رفع این موانع سیاسی هستند مورد نظرند و نه بمثابه اهدافی در خود وقائم به ذات.

اگر چنین نبود ، بعبارت دیگر چنانچه مانع ، مانعی فی‌النفسه " اقتصادی" بود و در سطح سیاسی این سوال را مطرح می‌کرد که : "تضاد ، تضاد کار و سرمایه است یا تضاد 'خلق' با استبداد؟" ، آنگاه دیگر لنین نمی‌توانست انقلاب را دموکراتیک بداند و در عین حال بنویسد که : " در زمان حاضر ، کار برای اجیر شدن ، کار برای سرمایه‌دار ، شایع ترین شکل کار گشته است ، سلطه سرمایه بر کار ، تمام جمعیت رانه تنها در صنعت بلکه در کشاورزی نیز در بر می‌گیرد" ، و در ۱۹۰۵ با ردیگر تاکید کند که : "جامعه کنونی ... دچار شکافی است بر طرف نشدنی که تضاد کار و سرمایه بوجود می‌آورد" ( مقاله پنجم این کتاب ، تاکید از ماست ) . تاکید لنین حتی بر پیامدهای اقتصادی حاصل از حل انقلابی مساله ارضی ، یعنی " سریعترین و گسترده ترین بسط سرمایه‌داری " و غیره ، نه از آنروست که گویا " سرمایه‌داری با رفاه و بهبود وضع زارع مستقل خرده پا سازگاری دارد" - لنین این گمان را " چیزی جز بازتساب و تکرار اقتصاد سیاسی بورژوازی " نمی‌داند ( همان مقاله ) بر عکس ، حتی " رادیکال ترین شکل پیروزی دهقانان ، که ( پرولتاریای روستا ) باید با تمام قوا به حصول آن کمک کند ، دهقانان را از فقر خلاص نخواهد کرد" ( همان مقاله ) . تاکید لنین بر اهمیت مساله ارضی ( و حل انقلابی آن ) از آنروست که این مساله زیر بنا یا پایه اقتصادی دموکراسی را در روسیه تشکیل می‌دهد . بعبارت دیگر هنگامیکه لنین بر ضرورت حل انقلابی مساله ارضی و بر ضرورت پشتیبانی پرولتاریا از جنبش دهقانی پا می‌فشارد تاکیدش ، چنانکه پیشتر گفته شد ، تاکید مکانیکی ، یکجانبه و فتیشتی بر ضرورت " رشد نیروهای مولده " ، جبران " عقب ماندگی عمومی روستا " و " حل ( مسائل ) اساسی بهره‌برداری کشاورزی " \*

و خزعلات لیبرالی ای از این دست نیست؛ آنچه لنین در نظر دارد ضرورت زیرو رو شدن " بنای ... روسیه کهن، نفرین شده، فئودالی، استبدادی و برده دار" است تا مگر نسلی از مردمان شجاع و آزاد بوجود (آید)، کشوری جدید و جمهوری بنا (شود) که در آن مبارزه پرولتری ... برای سوسیالیسم بتواند آزادانه گسترش یابد" (مقاله اول این کتاب، تاکید ازماست).

بنابراین، مکان و موقع جنبش دهقانی در انقلاب دموکراتیک و وظایف پرولتاریا در قبال آنرا می توان چنین جمع بندی و خلاصه نمود: انقلاب دموکراتیک حلقه واسطی یا مرحله گذاری است که طی آن پرولتاریای آگاه وظیفه دارد به ارتقاء "درجه آمادگی" خویش در زمینه های ایدئولوژیک، سیاسی و تشکیلاتی بپردازد، و در عین پشتیبانی از تمام دهقانان و "منقح ساختن مضمون انقلابی-دموکراتیک جنبش (آنان) از هرگونه مخلوط های ارتجاعی (یعنی ضد پرولتری)"، مستقیماً و بی هیچ کجروی به "سازماندهی مستقل پرولتاریای روستا در هر مورد و در هر شرایطی" بپردازد (مقاله ششم این کتاب، تاکید از لنین) - بعبارت دیگر "اتحاد خود را با تهیدستان روستا" بوجود آورده، محکم تر و فشرده تر نماید تا بدین وسایل پیروزی انقلاب دموکراتیک را ممکن گردانیده و، از آن طریق، "گذار هر چه سریعتر خود، یعنی حزب پرولتاریا را به وظیفه جدید و عالی تر یعنی انقلاب سوسیالیستی آبانتر کند" (همانجا، تاکید از لنین).

و اما آنچه در رابطه با مساله ارضی و حل آن در ایران مورد نظر ماست. اولاً، ما توسعه سریع و بی سابقه سرمایه داری در

\* دو تای آخری را "اتحادیه کمونیستهای ایران" در جزوه "بحث در مساله ارضی، پاسخی به ..." مطرح نموده است (صفحات ۱۵ و ۱۲) جالب است که این رفقا چنین بهبودهایی در وضع دهقانان را از "سیاست ارضی ملاکان دربار و کارشناسان امپریالیستی اش" (صفحه ۱۵ همان جزوه) توقع دارند!!

۱۶ سال گذشته را دقیقاً مرهون "حل" این مساله (از بالا و توسط امپریالیسم) میدانیم و معتقدیم که در این مورد نیز شکوه از "ناموزونی" توسعه سرمایه‌داری در ایران پس از "اصلاحات ارضی"، و یا توقع اینکه پروسه سلب مالکیت، پروسه‌ای که داستان‌ش در تاریخ بشر "با حروفی از آتش و خون ثبت است" \*، در اینجا و بقول لنین از طریق "یک رفرم با نزاکت و با مسالمت و بدون اعمال زور" انجام گیرد (مجموعه آثار به زبان فارسی، صفحه ۳۰۶)، انتظار اینکه توسعه سرمایه‌داری متعاقب آن "متوازن" باشد، انتظار اینکه دهقانان آواره نشوند و در شهر گرسنه، بیکار و سرگردان نمانند، انتظار اینکه "عقب ماندگی عمومی روستا" جبران شود، گله‌گزاری و نالیدن از اینکه چرا رفرم امپریالیستی "حتی یک مساله اساسی بهره‌برداری کشاورزی ایران را حل نگردانیده است" \*\*، شکوه از اینکه (گوش کنید، این خود لیبرالیسم بورژوازی است که شکایت نزد امپریالیسم می‌برد!) "فرایند انباشت سرمایه در دست‌گروه معدودی بورژوازی (مقصود بورژوازی) از یکسو و پرولتری شدن (مقصود پرولتر شدن است) توده وسیع بهره‌برداران (؟) فقیر زراعی، بخش عمده خجوش نشینان و غیره از سوی دیگر، ... که دهها سال است جریان داشته و دارد، با موانع بزرگی روبروست" (تاکید از ماست) و در ادامه منطقی همه اینها، دل‌سوزاندن برای "ثروتمندان شهری، ملاکان و خود حکومت (که آنان) نیز (مانند بورژوازی ده که دهها سال است فربه و فربه‌تر می‌شود؟!)" با تمام اقداماتشان (منظور بیخانمانی و آوارگی بپا کردن‌هایشان است!!) در روستا نقایب ناچیزی را عرضه داشته‌اند (به "اقتصاد ملی"؟!)" \*\*\* - آری اینها همه چیزی جز "وعده اصلاحات بخود دادن، نالیدن از اینکه

\* "سرمایه"، جلد اول، ترجمه فارسی، صفحه ۶۴۸

\*\* "اتحادیه کمونیست‌های ایران"، همان جزوه، صفحه ۱۵

\*\*\* "اتحادیه کمونیست‌های ایران"، همانجا.

چرا در عمل 'اصلاحات' بدست (امپریالیسم) و بشیوه‌ای (امپریا-لیستی) انجام می‌شود" (لنین جلد ۱۷، صفحه ۱۲۰)، چیزی جز شکوه از اینکه چرا امپریالیسم فلسفه وجودی‌اش را نفی نمی‌کند و آبادی و آبادانی را به ارمغان نمی‌آورد، و حتی ارتجاعی تر از آن چیزی جز نالیدن از اینکه چرا امپریالیسم آوارگی و خون و آتش بپا کردن‌هایش را به آخر نرسانده است و چرا عمال امپریالیسم در روستا بیش از این تسمه از گرده دهقانان نکشیده‌اند، نیست.

آقایان لیبرال‌ها، "از خواب بیدار شوید- گرد و غبار مکتب‌فرتوت‌ناردنیکی را از خود بتکانید- و به آنچه طی (۱۶ سال گذشته در ایران روی داده) نظر بیفکنید. (امپریالیسم) فقط با نیروی جسمانی بر شما غالب نگردید، بلکه غلبه‌اواز این لحاظ نیز بود که به عملی‌ترین حوائج تکامل اقتصادی، یعنی لزوم بر هم زدن جبری اصول قدیمی مالکیت بخوبی پی برد... حال ناردنیک‌ها وحشت‌زده از ما خواهند پرسید- پس شما طرفدار (این رفـرم امپریالیستی) هستید؟ اوه خیر! خیالتان آسوده باشد! منا بدون چون و چرا مخالف هر نوع مالکیت ارضی کهن (در ایران) هستیم، اعم از اربابی یا خرده مالکی" (لنین، مجموعه آثار بزبان فارسی، صفحه ۳۵۶. تاکید از لنین).

اعتقاد ما بر آنست که مساله ارضی در ایران "حل شده، پروسه سلب مالکیت انجام گرفته، تولید کالای تعمیم یافته و نیروی کار، چه در صنعت و چه در کشاورزی کالا شده و استثمار آن شکل غالب استثمار گردیده است. و به این ترتیب، "مساله ارضی" در ایران - بر خلاف روسیه - زیر بنای اقتصادی "مساله دموکراسی" را تشکیل نمی‌دهد.

ثانیا، اعتقاد ما به موفقیت امپریالیسم در "حل" مساله ارضی در ایران ابا بدان معنا نیست که حل این مساله در شرایط و به شیوه‌های امپریالیستی می‌تواند پیگیرانه و عاری از تناقض انجام گرفته باشد. عبارت دیگر، ما منکر این واقعیت که

بقایای فئودالیسم بمعنای اخص کلمه در ایران وجود دارد، دهقانان " خواستهای ارضی" دارند و " تب زمین" در میان آنها بسیار بالا است نیستیم؛ و بدیهی است که پشتیبانی از جنبش انقلابی - دموکراتیک دهقانی، بجلو سوق دادن و آگاهی سیاسی بخشیدن به آن را یکی از وظایف اساسی کمونیستها در انقلاب حاضر ارزیابی می‌نمائیم. آنچه ما منکرش هستیم اینست که کمونیستها تسلیم این " عطش برای زمین"، تسلیم " غرایز مالکیت" دهقان خرده‌پا، تسلیم " اتوپی های ارتجاعی" وی نشوند، و سرانجام به پرده پوشی دشمنی دهقان خرده پا با پرولتاریای روستا - واقعیتی که از دموکراتیسم بالقوه وی مسلم تر است\* - دچار گردند. درست است که اتوپی های دهقان خرده پا را نباید از زاویه انقلاب سوسیالیستی نگریست و " ارتجاعی" نام نهاد؛ درست است که اتوپی اصلی دهقانان یعنی مصادره و تقسیم بالتساوی تمام اراضی پایه مادی قابلیت انقلابی - دموکراتیک آنان را تشکیل می‌دهد؛ درست است که در انقلاب دموکراتیک این اشتیاق دهقانان به مصادره و تقسیم اراضی " اتوپیک نیست، بلکه به معنای واقعی، اخص و علمی کلمه انقلابی است" \*\*، اما دخالت کمونیستها در جنبش انقلابی دهقانی نمی‌تواند بمعنای صحه گذاردن بر این اتوپی ها در جهت تحقق آنها و بطریق اولی، نمی‌تواند بمعنای تخفیف یا پرده پوشی تخاصم طبقاتی موجود بین پرولتاریا و خرده مالک باشد. برعکس، کمونیستها وظیفه دارند با این اتوپی‌ها به " مبارزه" برخیزند و برای دهقانان روشن سازند که حتی رادیکال ترین شکل پیروزی در انقلاب دموکراتیک، رهائی از فقر و استثمار را برایشان به ارمغان نخواهد آورد. پشتیبانی پرولتاریا از جنبش دهقانی تنها به این خاطر است و تا آنجا صورت می‌گیرد که مبارزه دهقان " علیه ملاک ( و امپریالیسم) به توسعه و تحکیم نیروهای دموکراتیک کمک می‌کند" - اینست آنچه لنین " محتوای

\* لنین، مقاله دوم این کتاب.

\*\* لنین، جزوه " شیوه برخورد به احزاب بورژوازی"، صفحه ۴۴

واقعی دموکراتیک و انقلابی " جنبش دهقانی نامیده و معتقد است که کمونیستها باید آنرا " برای خود و برای مردم روشن (سازند) " (مقاله دوم این کتاب، تاکید از ماست) نه آنکه پرده پوشی کنند.

ما معتقدیم که در ایران زمینه این روشنگری به این خاطر که دهقانان سهمیه زمینشان را پس از اصلاحات ارضی و دقیقاً در اثر پیامدهای عینی و ناگزیر رشد سرمایه‌داری از دست داده‌اند، بسیار فراهم است. " توده دهقانی تشخیص نمی‌دهد و نمی‌تواند بدهد که کاملترین ' آزادی ' و ' عادلانه‌ترین ' تقسیم حتی تمام اراضی، سرمایه‌داری را نه تنها نابود نمی‌کند، بلکه برعکس، شرایط توسعه بویژه گسترده و نیرومند آن را بوجود می‌آورد " (مقاله دوم این کتاب)؛ موجب خواهد شد که " دهقانان محصول زمین، اگر نه خود آن، را میان خود و با دیگران مبادله نمایند و، به اینجا که رسید، بزودی متوجه خواهند شد که یک دهقان، حتی یک دهقان بدون سرمایه، به بزکت‌کارش و حاصلخیزی بیشتر (سهمیه - اش)، موقعیت دهقان دیگری را تنزل داده و او را فعله خود ساخته است " (مارکس، مقاله دوم این کتاب) - آری توده دهقانی عواقب ناگزیر تقسیم عادلانه زمین، یعنی تمرکز و تراکم مالکیت ارضی را نمی‌بیند و نمی‌تواند ببیند؛ و این پروسه است که در ایران انجام شده و تکامل می‌یابد. در چنین شرایطی " هیچ انقلاب دیگری (غیر از انقلاب پرولتری) که قادر باشد دگرگونی جدی ای را در شرایط اقتصادی توده‌های دهقانی سبب شود، نمی‌تواند وجود داشته باشد " اما اگر پرسیده شود چرا شما دهقانان را به " انقلاب پرولتاریا " فرا نمی‌خوانید، جواب ما روشن است: زیرا در حال حاضر قادر نیستیم حتی خود پرولتاریا را به این انقلاب فراخوانیم. <sup>و نمی‌تواند ببیند</sup> توده دهقانی " یوغ عام سرمایه " را نمی‌بیند. اما " در حالیکه (بلشویسم) صرفاً محتوای انقلابی - دموکراتیک این - آمال دهقانی را بیرون کشیده و مورد حمایت قرار می‌دهد، سوسیالیسم خرده بورژوازی از این عقب ماندگی دهقانی تئوری می‌سازد " .

با رودنیک‌های وطنی ما نیز " یوغ عام سرمایه " را نادیده می‌گیرند؛ به "غرایز مالکیت" پروبال می‌دهند و بشیوه‌ای بورژوازی سعی در قبولاندن این مساله، آنها را به دهقانی که سهمیه زمینش را دقیقاً در پروسه تراکم مالکیت ارضی از دست داده است، دارند که سرمایه‌داری با بهبود وضع دهقان خرده‌پا سازگاری دارد؛ وجود پرولتاریا، نیمه پرولتاریا و تهیدستان روستا را نادیده می‌گیرند (یا پرده‌پوشی می‌کنند) و با توسل به عذر همیشه در آستین "انقلاب دموکراتیک است"، همواره این تعهد خود را "از یاد می‌برند" که "باید تعارض منافع این طبقه با منافع بورژوازی دهقانی را برایشان روشن (سازند)؛ وظیفه ترویج سوسیالیسم و سازماندهی مستقل آنان "در هر مورد و در هر شرایطی" را برای خود قائل نمی‌شوند؛ هیچ الزامی نمی‌بینند که در جهت ایجاد "عمیق‌ترین وحدت ممکن در بین پرولتاریای شهر و روستا" تلاش کنند؛ و بطریق اولی هیچ ضرورتی حس نمی‌کنند که پرولتاریای روستا را "به این درک برسانند که تنها مبارزه مشترک پرولتاریای شهر و روستا علیه کلیت جامعه بورژوا می‌تواند به انقلاب سوسیالیستی، تنها انقلابی که قادر به رها کردن واقعی ثوده فقیر روستا او قید فقر و استثمار است، بیانجامد" (مقاله دوم این کتاب).

آنچه گفته شد، جمع بندی فشرده‌ای بود از عمده‌ترین وجوه شیوه برخورد لنین و بلشویکها به مساله ارضی و جنبش دهقانی. ما طرح مشروح تر و مشخص تر این مساله را در مقاله‌ای جداگانه بزودی منتشر خواهیم کرد.

تکثیر از: کمونیستهای انقلابی

www.k-en.com  
info@k-en.com

اتحاد مبارزان کمونیست (سهند)